

## تأثیر برنامه والدگری مثبت منطقی بر رابطه والد-کودک مادران با کودک اختلال یادگیری خاص The Effect of Rational Positive Parenting Program on Parent-Child Relationship of Mothers with Children Special Learning Disorder

**Maedeh Mansourpour Dahka**

MA of Psychology and education of exceptional children, Faculty of Literature and Humanities, University of Guilan, Rasht, Iran. Corresponding Author: [mpmaede@gmail.com](mailto:mpmaede@gmail.com)

**Mahnaz Khosrojavid**

Associate Professor, Department of Psychology, Faculty of Literature and Humanity, University of Guilan, Rasht, Iran.

مأده منصورپور دهکا (نویسنده مسئول)

کارشناس ارشد روانشناسی و آموزش کودکان استثنایی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران.

مهناز خسروجاوید

دانشیار روان شناسی، گروه روان شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران.

### Abstract

Mothers of children with specific learning disabilities, due to greater involvement with their children, suffer more psychological stress than fathers and face numerous emotional problems that affect their parenting style and require appropriate interventions. The present study was conducted to determine the effect of rational positive parenting programs on the parent-child relationship of mothers with children with specific learning disabilities. This is a semi-experimental pre-test/post-test control group design. The study population includes all mothers of third to sixth-grade students who were referred to educational and rehabilitation centers for special learning disabilities in Rasht city from 1400 to 1401. A total of 30 subjects were selected through purposeful sampling and randomly divided into the control group ( $n=15$ ) and the experimental group ( $n=15$ ). Ten 90-minute sessions of intervention were conducted with the experimental group. The control group received no intervention. The data were collected using Pianta's Child- Parent Relationship Scale (CPRS, 2011) and analyzed by single-variable covariance analysis in SPSS-26. The analysis results showed that the logical positive parenting program had a significant effect on the parent-child relationship of the mothers under the intervention ( $P<0.001$ ). Therefore, a logical positive parenting program can improve effective communication between parents and children by reducing conflicts and increasing intimacy.

**Keywords:** Logical Positive Parenting Program, Mothers Parent-Child Relationship, Special Learning Disorder.

### چکیده

مادران کودک با اختلال یادگیری خاص، به دلیل درگیری بیشتر با کودک، متحمل فشارهای روانی بیشتری نسبت به پدران هستند و با مشکلات عاطفی متعددی مواجه می‌شوند که شیوه والدگری آن‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد و نیاز به مداخله‌های مناسب دارند. پژوهش حاضر با هدف تأثیر برنامه والدگری مثبت منطقی بر رابطه والد-کودک مادران کودکان با اختلال یادگیری خاص انجام شد. طرح نیمه آزمایشی پیش آزمون- پس آزمون با گروه کنترل بود. جامعه پژوهش شامل کلیه مادران دانش آموزان پایه‌های سوم تا ششم ابتدایی مراجعه کننده به مراکز آموزش شی و توان بخشی اختلالات یادگیری ویژه شهر ستان رشت بودند که در مجموع ۳۰ نفر با توجه به ملاک‌های ورود انتخاب و به صورت تصادفی در دو گروه کنترل ( $n=15$ ) و آزمایش ( $n=15$ ) قرار گرفتند. مداخله در ۱۰ جلسه ۹۰ دقیقه‌ای برای گروه آزمایش انجام شد، اما گروه کنترل هیچ مداخله‌ای دریافت نکرد. داده‌ها با استفاده از مقیاس رابطه کودک-والد پیانتا (CPRS, ۲۰۱۱) جمع‌آوری و با روش تحلیل کوواریانس تک متغیری تحلیل شدند. نتایج تحلیل نشان داد که برنامه والدگری مثبت منطقی بر رابطه والد-کودک مادران تحت مداخله تأثیر معنی‌داری داشت ( $P<0.001$ ). بنابراین برنامه والدگری مثبت منطقی می‌تواند از طریق کاهش تعارض‌ها و افزایش صمیمیت، ارتباط مؤثر میان والدین و کودکان را بهبود ببخشد.

**واژه‌های کلیدی:** اختلال یادگیری خاص، برنامه والدگری مثبت منطقی،

رابطه والد-کودک

## مقدمه

طبق تعریف انجمن روان‌پزشکی آمریکا (۲۰۲۲)، اختلال یادگیری خاص شرایط مزمنی است که اغلب تا بزرگسالی هم ادامه می‌یابد و شامل اختلال در یک یا بیش از یک فرایند روان‌شناختی پایه است که به موجب آن توانایی افراد در گوش دادن، فکر کردن، صحبت کردن، خواندن و نوشتن و هجی کردن یا محاسبات ریاضی دچار نقص شده و عملکرد فرد در بسیاری از حوزه‌های زندگی شخصی و اجتماعی تحت تأثیر قرار می‌گیرد. شیوع این اختلال در بین کودکان دبستانی بین ۵ تا ۱۵ درصد است (فیش و مورگان<sup>۱</sup>، ۲۰۲۱). وجود اختلال یادگیری خاص در فرزندان علاوه بر ایجاد اختلال در زمینه‌ی تحصیلی، زندگی والدین را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. در سیستم خانواده‌ای که کودک با اختلال یادگیری خاص حضور دارد، مادران به دلیل درگیری بیشتر با کودکان بیشتر از پدران فشارهای روانی را تحمل می‌کنند و وجود اختلال در سلامت روان مادر به طور طبیعی می‌تواند بر نوع روابطی که با فرزند خود برقرار می‌کند مؤثر باشد (لاکوود و همکاران<sup>۲</sup>، ۲۰۲۱). پژوهش ساهو و همکاران<sup>۳</sup> (۲۰۱۸)، با بررسی نیازهای والدین کودکان با اختلال یادگیری خاص نشان داد که این خانواده‌ها از نظر مقدار و نوع نیاز متفاوت هستند. همچنین پژوهش کویست و همکاران<sup>۴</sup> (۲۰۱۳)، نشان داد وجود اختلال در فرزندان به طور طبیعی می‌تواند بر نوع روابطی که والدین با فرزند خود برقرار می‌کنند مؤثر باشد. به ویژه والدینی که فرزند با اختلال خاصی دارند، در روابط والد-کودک مشکل بیشتری دارند. رابطه والد-کودک، رابطه‌ای است که رشد جسمی، عاطفی و اجتماعی کودک را پرورش می‌دهد (کراول و همکاران<sup>۵</sup>، ۲۰۱۹). کودکانی که رابطه سالمی با والدین خود دارند می‌توانند با همسالان خود پیوندها و دوستی‌های ایمن‌تری برقرار کنند (گائو و کامینگز<sup>۶</sup>، ۲۰۱۹). کودکان مبتلا به اختلال یادگیری خاص قادر به برقراری روابط ایمن هستند، اما رابطه والد-کودک منعکس کننده رفتارهای تعاملی با انعطاف‌پذیری کم و حساس در مقابل آسیب اجتماعی این کودکان است (روچان و همکاران<sup>۷</sup>، ۲۰۱۹). بنابراین استفاده از آموزش‌های مؤثر بر بهبود روابط والد-کودک در والدین این کودکان و لزوم پیگیری‌های درمانی کاملاً محرز است.

پژوهش‌هایی که اثربخشی آموزش والدگری را بررسی کرده‌اند، نشان داده‌اند که این آموزش‌ها نسبت به انواع روان‌درمانی مبتنی بر خانواده برتری دارند (ویتاکر و همکاران<sup>۸</sup>، ۲۰۲۱). در همین رابطه نتایج پژوهش عباس زاده و همکاران (۱۴۰۰)، نشان داد که آموزش والدگری مثبت در بهبود رابطه والد-کودک در مادران کودکان کم‌شنوا مؤثر بود. پژوهش اصلانی و همکاران (۱۳۹۵)، که با هدف تعیین تأثیر برنامه والدگری مثبت بر کیفیت تعامل والد-کودک مادران کودکان دبستانی انجام شده بود، نشان داده است که برنامه والدگری مثبت اثر مثبت و معناداری را بر تعارض، نزدیکی، وابستگی و رابطه مثبت کلی داشته و به طور کلی سبب بهبود تعامل مادر با کودک شده است. پژوهش عاشوری (۱۳۹۴)، با عنوان اثربخشی برنامه والدگری مثبت بر خودکارآمدی والدینی و تعامل مادر-کودک در مادران کودک با کم‌توانی ذهنی انجام شد و نتایج آن نشان داد که این برنامه بر خودکارآمدی والدینی و تعامل والدکودک اثر مثبت و معنی‌داری دارد. همچنین پژوهش شاپورآبادی و همکاران (۱۳۹۱)، با بررسی تعیین اثربخشی برنامه گروهی والدگری مثبت بر روابط والد-کودک در مادران کودک با اختلال نارسایی توجه-فزون

5. Crowell  
6. Gao, & Cummings  
7. Rouchun  
8. Whitaker

1. Fish, & Morgan  
2. Lockwood  
3. Sahu  
4. Kvist

کنشی نشان داد که اجرای برنامه گروهی والدگری مثبت برای مادران این کودکان منجر به کاهش معنادار تعارض و وابستگی و افزایش نزدیکی و به طور کلی موجب بهبود رابطه مادر-کودک شده است. نتایج پژوهش‌های فوق، به طور ضمنی تأثیر برنامه والدگری مثبت بر رابطه والد-کودک مادران گروه‌های مختلفی از کودکان را تأیید کرده است، بنابراین پرداختن به پژوهش‌هایی همراه با نوآوری که تکیه بر والدگری مثبت دارند، برای بهبود روابط والد-کودک مادران کودک با اختلال یادگیری خاص حائز اهمیت است. برنامه والدگری مثبت منطقی، شکلی توسعه یافته از برنامه والدگری مثبت است که توسط **گاویتا (۲۰۱۱)** ساخته شده است. این برنامه را می‌توان به عنوان مناسب‌ترین مداخله که به دنبال دستیابی به یک نتیجه بالینی معنی‌دار در مقرون به‌صرفه‌ترین و کارآمدترین زمان است، برای والدین کودکان با اختلال یادگیری خاص بکار برد. برنامه والدگری مثبت منطقی در واقع مداخله‌های گروهی شناختی-رفتاری برای والدین است که نمایانگر کاربردی از رویکرد رفتار درمانی شناختی و منطقی-هیجانی است. این برنامه شامل راهبردهایی برای مدیریت رفتارهای نادرست با استفاده از اصول تقویتی و احتمالی و در عین حال پیوند عاطفی والد-کودک است که می‌تواند با کمک به بهبود مهارت‌های مثبت والدین در والدگری در بهبود شرایط مؤثر باشد (**دیوید و دیگیژا، ۲۰۱۶**).

از آنجایی که برنامه والدگری مثبت منطقی یک مداخله نو و جدید است، پژوهش‌هایی که به بررسی اثربخشی آن پرداخته‌اند محدود هستند. اولین بار **دیوید<sup>۲</sup> (۲۰۱۴)**، در پژوهشی به بررسی برنامه والدگری مثبت منطقی پرداخت و نتایج آن نشان داد که آموزش این برنامه به والدین در کاهش برون‌سازی مشکلات رفتاری کودک مؤثر است. بعد از آن **گویتا و همکاران<sup>۳</sup> (۲۰۱۲)**، در پژوهشی نشان دادند که برنامه والدگری مثبت منطقی در کاهش رفتار مخرب در مراقبت از فرزند و دغدغه والدین و بهبود فرزندپروری مؤثر است. همچنین **گویتا و کالین<sup>۴</sup> (۲۰۱۳)**، با مقایسه برنامه والدگری مثبت منطقی با قصه درمانی برای کودکان نشان دادند که برنامه والدگری مثبت منطقی به جهت تغییر در مهارت‌های والدگری بر مشکلات رفتاری کودک مؤثرتر است. در ایران **سماوات اکباتان و حسینیان (۱۳۹۵)** در پژوهشی نشان داد که برنامه والدگری مثبت منطقی به عنوان یک روش مؤثر والدگری می‌تواند موجب بهبود کنترل خشم و کاهش باورهای غیرمنطقی مادران شود. برنامه والدگری مثبت منطقی بر ارتباط با انتظارات روشن والدین، تعامل والدین و کودکان، تشویق و تقویت رفتارهای مثبت تأکید کرده و از عواقب ناشی از تنبیه‌های فیزیکی اجتناب می‌کند (**ماریک و بوگلس<sup>۵</sup>، ۲۰۱۸**). این برنامه بر مبنای پنج اصل استوار است که عبارتند از: اصل اول: محیط سالم و جذاب؛ اصل دوم: محیط یادگیری مثبت؛ اصل سوم: اصل ابرازگری؛ اصل چهارم: انتظارات واقع بینانه؛ و اصل پنجم: مراقب نقش والدگری خود بودن. در واقع برنامه‌هایی که بر اساس اصول والدگری مثبت بنا شده‌اند، به وسیله افزایش دانش، مهارت و اعتمادبه‌خود والدین، موجب تقویت رابطه والد-کودک و تجهیز والدین به راهبردهای مدیریت مثبت و مؤثر در رفتار می‌شوند (**حاج خدادادی و همکاران، ۱۴۰۰**). از این رو، با توجه به مشکلات مطرح شده و پیامدهای کوتاه مدت و بلند مدت آن برای والدین و با توجه به تأثیر مثبت مداخلات در بهبود رابطه والد-کودک و همچنین خلاء موجود در پژوهش‌های لازم در زمینه ارائه آموزش‌های مثبت و منطقی، هدف پژوهش حاضر بررسی تأثیر برنامه والدگری مثبت منطقی بر رابطه والد-کودک مادران کودک با اختلال یادگیری خاص بود.

4. Gavita, & Calin  
5. Maric, & Bögels

1. David & Diguseppe  
2. David  
3. Gavita

## روش

طرح پژوهش نیمه تجربی و در قالب پیش آزمون-پس آزمون با گروه کنترل انجام شد. جامعه آماری پژوهش را، تمامی مادران دانش‌آموزان پایه‌های سوم تا ششم ابتدایی مراجعه‌کننده به مراکز آموزشی و توان‌بخشی مشکلات ویژه یادگیری شهر رشت در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۰ تشکیل دادند. نمونه اولیه پژوهش شامل ۵۰ نفر از این مادران بودند، اما با در نظر گرفتن ملاک‌های ورود و خروج تعداد ۳۰ نفر از این مادران انتخاب و در دو گروه آزمایش (۱۵ نفر) و کنترل (۱۵ نفر) جای دهی شدند. ملاک‌های ورود برای کودک شامل: دریافت تشخیص اختلال یادگیری خاص توسط متخصص روان‌شناس، دامنه سنی ۹ تا ۱۲ سال و ملاک‌های ورود برای مادر شامل: دامنه سنی ۲۵ تا ۴۰ سال، میزان تحصیلات دیپلم و بالاتر، داشتن فقط یک فرزند با نیاز ویژه بود. ملاک‌های خروج برای مادر شامل: دریافت آموزش‌های مرتبط همزمان با اجرای پژوهش، غیبت بیش از ۲ جلسه در آموزش در نظر گرفته شد.

## ابزار

**مقیاس رابطه کودک- والد:** این مقیاس اولین بار توسط **پیانتا (۲۰۱۱)** در دو فرم کوتاه و بلند طراحی و در سال ۱۳۸۶ توسط طهماسبیان ترجمه شد (**ابارشی و همکاران، ۱۳۸۸**). این مقیاس یک پرسشنامه خود گزارش دهی است که در این پژوهش مادران باید آن را تکمیل کنند. فرم کوتاه این مقیاس دارای ۱۵ گویه و ۲ خرده مقیاس کشمکش و صمیمیت است که در طیف پنج درجه‌ای لیکرت نمره‌گذاری می‌شوند. هشت گویه عامل تعارض یا کشمکش و هفت گویه، عامل نزدیکی یا صمیمیت را اندازه‌گیری می‌کند. اعتبار میان ارزیابان با استفاده از ضریب همبستگی درون طبقه‌ای محاسبه شد. اعتبار کل نمرات بیش از ۰/۸۳ بود. پایایی آن نیز از طریق آلفای کرونباخ توسط **خداوردیان و همکاران (۱۳۹۵)** برای هر کدام از خرده مقیاس‌ها به ترتیب با ضریب آلفای ۰/۸۳، ۰/۷۲ به دست آمد که از پایایی مناسبی برخوردار بودند.

## برنامه مداخله‌ای

**برنامه والدگری مثبت منطقی:** این برنامه توسط **گاوینا (۲۰۱۱)** ساخته شده و از کتاب برنامه والدگری مثبت منطقی نوشته آوانا دیوید و ریموند دیگر الگو گرفته شده است و به صورت متناسب سازی و بومی سازی شده و تحت فرهنگ متناسب با جامعه در اختیار مادران قرار گرفت. این برنامه متشکل از ده جلسه، به مدت ۵ هفته (دو جلسه در هر هفته) و هر جلسه ۹۰ دقیقه است و به صورت گروهی و در جلسات حضوری و توسط محقق اجرا گردید. در جدول ۱، خلاصه برنامه مداخله والدگری مثبت منطقی گزارش شده است.

## جدول ۱: خلاصه برنامه مداخله

جلسه	محتوای جلسه	اهداف	تکالیف
۱	تنظیم دستور کار جلسه، بررسی انتظارات والدین و تعیین اهداف فردی، آموزش والدین در مورد رفتار کودک و فعالیت‌های ایجاد رابطه	معرفی اعضا به یکدیگر و تعیین نقش‌های عملکرد گروه، آموزش والدگری مثبت منطقی	نظارت بر رفتارهای کودک و تنظیم یک گزارش از رابطه مثبت والد-کودک
۲	شناسایی استرس و واکنش‌های سازگار و ناسازگار خود، تمیز دادن بین تفکر منطقی و غیر منطقی	آموزش والدین جهت تشخیص باورهای غیر منطقی و هیجان‌های خود و فرزندشان و درک فعال شدن رویدادها	نظارت بر رفتارهای کودک (در خانه و مدرسه)، نظارت بر هیجان‌های ناکارآمد
۳	به چالش کشیدن تفکر غیر منطقی و توسعه تفکر منطقی	اجرای راهبردهای کنترل خشم، اضطراب و افسردگی	نظارت بر رفتارهای کودک، نظارت بر تغییر هیجان‌های ناکارآمد منفی خود
۴	استفاده از گزارش ارتباطی: پذیرش بی‌قید و شرط و تأیید اظهارات، تمرین دستورات موثر برای این مراحل	ایجاد روابط مثبت در روابط والدین و کودک؛ درک و استفاده از پاداش و نادیده گرفتن فعال	ایجاد و ابراز پذیرش و تأیید اظهارات بی‌قید و شرط، نظارت بر رفتارهای کودک
۵	آموزش رهنمودهای ارتباط موثر با فرزندان و پرورش دلبستگی ایمن، آموزش رهنمودهای بازی با کودکان	درک و پیاده‌سازی ارتباط مؤثر با فرزندان خود و نحوه بازی با آن‌ها	نظارت بر بازی کودک محور
۶	بحث در مورد چگونگی قوانین خانواده، اقدام به مطرح کردن یک مدل منطقی برای کودک، مدیریت رفتارهای ناخواسته	درک و پیاده‌سازی ویژگی‌های والدگری مثبت، درک چگونگی وضع قوانین خانواده و پیاده‌سازی این دانش	ابلاغ قوانین خانواده در یک جلسه خانوادگی و نظارت بر رفتارهای کودک و پیامدهای آن.
۷	اصلاح قوانین خانواده و اجرای آن‌ها، ایجاد سیستم پاداش رمزی، آموزش راهبردهای خود انگیزی و راهبردهای خود پاداش‌دهی	درک و اصلاح قوانین خانواده و اصول سیستم پاداش رمزی	ایجاد یک سیستم پاداش رمزی با کودک
۸	پیاده‌سازی زمان استراحت	درک مفهوم زمان به عنوان روشی برای نظم و انضباط مثبت، درک و جلوگیری از اشتباهات در استفاده از زمان استراحت	نظارت بر رفتارهای کودک و پیامدهای آن، نظارت بر وقت استراحت.
۹	آموزش و تمرین آموزش حل مسئله، آموزش و پیاده‌سازی نظارت بر پیشرفت و راهبردهای مقابله‌ای	درک و پیاده‌سازی مهارت‌های حل مسئله و اصول نظارت بر پیشرفت و راهبردهای مقابله‌ای	نظارت بر رفتارهای کودک، پاداش‌ها و عواقب و آموزش مهارت‌های حل مسئله به کودک.
۱۰	تدوین برنامه‌های مقابله‌ای برای شرایط دشوار، جمع‌بندی اصول برنامه و درخواست بازخورد از والدین	جمع‌بندی راهبردهای فرزندپروری و آموزش و پیاده‌سازی آن	-

## نحوه اجرا

در پژوهش حاضر پس از اخذ معرفی‌نامه و مجوزهای لازم از دانشگاه گیلان، اداره ناحیه ۲ رشت و اداره استثنایی گیلان، تعداد دو مرکز اختلال یادگیری در شهر رشت بر حسب هماهنگی‌ها انتخاب شدند. سپس با مراجعه به مراکز اختلال یادگیری منتخب و انجام هماهنگی با مدیر، مقدمات اجرا فراهم شد. پس از چندین بار مراجعه به این دو مرکز، آشنایی با تمامی مادران مشتاق به شرکت در اجرای پژوهش صورت گرفت. پس از برگزاری جلسه توجیهی و ارائه توضیحات درباره روند برنامه و نحوه تکمیل پرسشنامه، تعداد ۳۰ آزمودنی انتخاب شدند که به صورت تصادفی در دو گروه آزمایش (۱۵ نفر) و کنترل (۱۵ نفر)

## The Effect of Rational Positive Parenting Program on Parent-Child Relationship of Mothers ...

جای‌دهی شدند. در اولین مرحله پس از انتخاب آزمودنی‌ها، جهت رعایت اصول اخلاقی، رضایت نامه کتبی برای شرکت در پژوهش توسط آن‌ها تکمیل گردید و بعد از آن هر دو گروه از مادران توسط مقیاس رابطه کودک-والد به عنوان پیش‌آزمون مورد سنجش قرار گرفتند. ابتدا تصمیم بر آن بود که برای جلوگیری از ریزش نمونه به علت شیوع ویروس کرونا، جلسات به صورت غیرحضوری برگزار شود اما در نهایت با نظرسنجی از مادران و مشورت با مدیران دو مرکز و با توجه به این که کارت دریافت سه دوز واکسن کرونا توسط مادران به مراکز اختلال یادگیری ارائه شده بود، تصمیم گرفته شد که جلسات به صورت حضوری اجرا شود. محقق به واسطه شرکت در کارگاه تخصصی مربی‌گری فرزندپروری با تدریس دکتر قاسم زاده و مطالعه کتاب والدگری مثبت منطقی، آمادگی لازم برای برگزاری جلسات آموزشی برنامه والدگری مثبت منطقی را کسب نمود و در نهایت این برنامه به صورت هفته‌ای دو جلسه ۹۰ دقیقه‌ای به مدت یک ماه به طور فشرده و برای مادران گروه آزمایش در محل مرکز اختلال یادگیری برگزار شد. مادران گروه آزمایش همگی از سلامت کامل برخوردار بودند و بدون غیبت آموزش را دریافت کردند ولی گروه کنترل آموزشی را در این حوزه دریافت نکرد. بعد از اتمام جلسات، مجدد هر دو گروه به وسیله مقیاس رابطه کودک-والد به عنوان پس‌آزمون سنجیده شدند و نتایج با هم مقایسه شدند.

## یافته‌ها

در پژوهش حاضر شرکت کنندگان در رده سنی ۲۵ تا ۴۰ سال بودند و بیشترین فراوانی سن آن‌ها بین ۳۰ تا ۳۵ سال بود. همچنین میزان تحصیلات آن‌ها دیپلم و بالاتر بود که بیشترین فراوانی مدرک و وضعیت اشتغال آن‌ها نیز، مدرک دیپلم و خانه‌داری بود. در جدول ۲ شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش در پیش‌آزمون و پس‌آزمون به تفکیک گروه‌ها گزارش شده‌اند. همچنین برای بررسی نرمال بودن توزیع متغیرها در پیش‌آزمون و پس‌آزمون از آزمون شاپیروویلیک استفاده شد.

جدول ۲: شاخص‌های توصیفی مؤلفه‌های متغیر پژوهش به تفکیک گروه‌های آزمایش و کنترل (n=۳۰)

متغیر	وضعیت	گروه	میانگین	انحراف معیار	S-W Z	p
کشمکش	پیش‌آزمون	آزمایش	۲۸/۶۰	۳/۹۹	۳/۹۷	۰/۰۶
		کنترل	۲۷/۴۷	۴/۳۴	۴/۳۴	۰/۱۱
	پس‌آزمون	آزمایش	۱۷/۱۳	۲/۶۱	۲/۶۲	۰/۸۸
		کنترل	۲۷/۶۰	۴/۰۵	۴/۰۵	۰/۰۹
صمیمیت	پیش‌آزمون	آزمایش	۲۹	۲/۵۶	۲/۵۶	۰/۶۱
		کنترل	۲۹/۲۷	۲/۴۶	۲/۴۶	۰/۴۹
	پس‌آزمون	آزمایش	۳۱/۶۷	۲/۴۶	۲/۴۷	۰/۲۷
		کنترل	۲۹/۴۰	۲/۸۴	۲/۸۵	۰/۴۵

نتایج جدول ۲ نشان می‌دهند که آماره شاپیروویلیک برای تمامی متغیرها معنی‌دار نیست و آزمون خی دو برای تمام متغیرها معنی‌دار است ( $P > 0.05$ ,  $\chi^2 < 0.05$ ). لذا می‌توان نتیجه گرفت که توزیع متغیرها نرمال است. در جدول ۳، نتایج همگنی شیب رگرسیون متغیرهای پژوهش در گروه‌های آزمایش و کنترل گزارش شده است. همچنین تعامل بین متغیر مستقل و پیش‌آزمون متغیرهای مورد مطالعه معنی‌دار نبود ( $P > 0.05$ ). این نتیجه حاکی از رعایت مفروضه همگنی شیب رگرسیون است، لذا انجام تحلیل کوواریانس بلامانع است. در جدول ۳، نتایج تحلیل کوواریانس چند متغیری نشان می‌دهد که بین دو

گروه آزمایش و کنترل، حداقل در یکی از مولفه‌های رابطه والد-کودک تفاوت وجود دارد ( $P < /0.01$ ). اندازه اثر نشان می‌دهد ۹۴/۴ درصد از واریانس ترکیب خطی مولفه‌ها ناشی از اثر آزمایشی است. برای مقایسه مولفه‌های رابطه والد/کودک از تحلیل واریانس چند متغیری استفاده شد. نتایج آزمون لامبدای ویلکز نشان داد که اثر گروه بر ترکیب مولفه‌های رابطه والد/کودک معنادار می‌باشد ( $F=2/42, V=0/056, P</0.01, \eta^2=0/944$ ). مجذور اتا نشان می‌دهد که تفاوت بین دو گروه در مولفه‌های مورد مطالعه معنادار بوده و میزان این تفاوت ۰/۹۴۴ است. به عبارت دیگر، ۹۴/۴ درصد واریانس مربوط به مولفه‌های رابطه والد/کودک ناشی از اثر آزمایشی است. برای بررسی اینکه کدامیک از مولفه‌های رابطه والد/دو گروه تفاوت دارند، نتایج تحلیل واریانس تک متغیری در جدول ۳ گزارش شده است.

جدول ۳: نتایج تحلیل کوواریانس تک متغیری مولفه‌های رابطه والد-کودک

OP	Eta <sup>2</sup>	P	F	MS <sub>ER</sub>	MS <sub>EX</sub>	مولفه‌ها / شاخص
۱	۰/۹۳۶	۰/۰۰۱	۳۸/۰۷	۲/۴۵	۹۳۵/۷۵	کشمکش
۱	۰/۷۱۱	۰/۰۰۱	۶۴/۰۶	۰/۷۳	۴۶/۷۱	صمیمیت

در جدول ۳، نتایج تحلیل کوواریانس تک متغیری نشان می‌دهد بین دو گروه آزمایش و کنترل در کشمکش و صمیمیت تفاوت وجود دارد ( $P < /0.01$ ). اندازه اثر نشان می‌دهد ۹۳/۶ درصد از واریانس کشمکش و ۷۱/۱ درصد از واریانس صمیمیت ناشی از اثر آزمایشی است. در جدول ۴ نتایج میانگین‌های تصحیح شده گزارش شده است.

جدول ۴: میانگین‌های برآورد شده نهایی در مولفه‌های رابطه والد-کودک

P	خطای استاندارد	تفاوت میانگین‌ها	میانگین	گروه	مولفه‌ها
۰/۰۰۱	۰/۵۸	-۱۱/۲۸	۱۶/۷۳	آزمایش	کشمکش
			۲۸/۰۱	کنترل	
۰/۰۰۱	۰/۳۲	۲/۵۲	۳۱/۷۹	آزمایش	صمیمیت
			۲۹/۲۷	کنترل	

در جدول ۴، میانگین گروه آزمایش در مولفه کشمکش از میانگین گروه کنترل کمتر است ( $P < /0.01$ ). بنابراین با توجه به این یافته‌ها، می‌توان نتیجه گرفت که برنامه والدگری مثبت منطقی در کاهش کشمکش و افزایش صمیمیت موثر است.

## بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر، بررسی تاثیر برنامه والدگری مثبت منطقی بر رابطه والد-کودک مادران کودک با اختلال یادگیری خاص بود. نتایج نشان داد که استفاده از این برنامه منجر به بهبود رابطه والد-کودک در گروه آزمایش شده است. نتایج به دست آمده در پژوهش حاضر با پژوهش‌های ماریک و بوگلس، ۲۰۱۸؛ گویتا و همکاران (۲۰۱۲) همسو و با نتایج پژوهش‌های عباس زاده و همکاران (۱۴۰۰)، اصلانی و همکاران (۱۳۹۵)، سماوات اکباتان و حسینیان (۱۳۹۵)، عاشوری (۱۳۹۴)، شاپورآبادی و همکاران (۱۳۹۱) هم راستا است.

حضور یک کودک با اختلال یادگیری خاص عملکرد خانواده را تحت تاثیر قرار می‌دهد و تغییرات مهمی در زندگی خانواده‌ها ایجاد می‌کند و باعث ایجاد استرس در خانواده به ویژه مادر می‌شود. از آنجا که مادر نخستین مراقب کودک است و مراحل اولیه رشد، تاثیر قطعی بر شخصیت انسان دارد و چون بسیاری از مشکلات روان‌شناختی ریشه در این تعامل دارند، تعامل بین مادر



## The Effect of Rational Positive Parenting Program on Parent-Child Relationship of Mothers ...

و فرزند به صورت خاصی مورد توجه بوده است؛ زیرا این ارتباط چنان نزدیک و درهم تنیده است که هرگونه تغییر در یکی، بر دیگری نیز اثر می‌گذارد (لاکوود و همکاران، ۲۰۲۱). در همین راستا بهره‌گیری از برنامه‌هایی که بتواند به مادران در برقراری بهتر رابطه و مدیریت آن کمک نماید حائز اهمیت است. راهبردها و رویکردهای آموزشی مختلفی برای آموزش دادن به والدین کودکان با نیاز ویژه از جمله اختلال یادگیری خاص تدوین شده‌اند. آموزش والدگری مثبت منطقی یک برنامه راهبردی چند سطحی درباره والدگری و با رویکرد پیشگیرانه و حمایتی نسبت به افراد خانواده و بر مبنای رویکرد شناختی-هیجانی و منطقی است که در محتوای خود به طور مشخص و صریح بر کیفیت تعامل والد-کودک تمرکز نموده است (دیوید و دیگیز، ۲۰۱۶). در پژوهش حاضر سعی شد با به کارگیری محتوای جلسات آموزشی که بر مبنای پنج اصل اساسی این برنامه مفهوم سازی شدند، به کیفیت تعامل مادر-کودک کمک شود. در ادامه به تبیین و توضیح چگونگی تأثیر احتمالی برنامه آموزشی درباره بهبود تعامل والد-کودک از طریق کاهش کشمکش‌ها و افزایش صمیمیت بین آنها پرداخته می‌شود.

اولین اصل مهم آموزش والدگری مثبت منطقی این است که به والدین کمک می‌کند خانه را به محیطی سالم، ایمن و حمایتی تبدیل کنند. ایجاد چنین جوی نیازمند آن است که والدین نگاهی واقع بینانه نسبت به فرزند خود داشته باشند. اصل انتظارات واقع بینانه (اصل چهارم) در بردارنده کشف توقعات والدین، فرضیه‌ها و باورهای آن‌ها در مورد علل رفتار کودک و نیز انتخاب هدف‌هایی است که از نظر تحولی برای کودک مطلوب و برای والد حقیقی هستند. در راستای این دو اصل سعی شد طی جلسات آموزشی به مادران یاد داده شود که صرفاً به جای تمرکز بر نقاط ضعف عملکردی کودک، به او به عنوان فرزند دوست داشتنی خود نگاه کنند. فرزندی که می‌تواند گرما بخش کانون زندگی باشد. آنها یاد گرفتند هر انسانی می‌تواند مجموعه‌ای از نقاط قوت و ضعف باشد و این نقاط ضعف مربوط به عملکرد فرد است، نه ویژگی درونی و تثبیت شده که قابلیت تغییر نداشته باشد. لذا مادران سعی کردند با اصلاح نگرش‌ها و باورهای غیر منطقی نسبت به فرزند خود از جمله این که: «فرزندم باید کامل باشد، فرزندم قابلیت یادگیری ندارد و مشکلات یادگیری او حل نشدنی هستند، فرزندم در مقایسه با هم سن و سالان خود امکان پیشرفت ندارد» و نظیر این باورها، محیط حمایتی و پشتیبان کننده‌ای را در منزل ایجاد و به افزایش صمیمیت در رابطه با کودک خود کمک کنند. همچنین به نظر می‌رسد از آنجا که آموزش به صورت گروهی انجام شد، همین فضای تعاملی مادران با یکدیگر و به اشتراک گذاری تجربه‌های شناختی و هیجانی خود با یکدیگر، بستر مناسبی را جهت تلاش و افزایش اشتیاق آنها برای تسریع در تغییر نگرش‌های ناکارآمد در ارتباط با فرزندشان فراهم نمود.

طبق اصل دوم برنامه، توجه به محیط یادگیری مثبت و آموزش نقش والدگری به والدین، به عنوان نخستین آموزگار کودک است. در این برنامه تلاش شد مادران بیاموزند که طی آموزش اتفاقی و سایر روش‌ها چطور می‌توانند به شکل مثبت و ساختارمند به ارتباط‌های کودک-آغازگر مثلاً درخواست کمک کودک، کنجکاوی‌های کودک، درخواست راهنمایی و نیاز به توجه کودک، پاسخ دهند و در نتیجه به کودکان یاد دهند مشکلات خودشان را، خودشان حل نمایند. آموزش اتفاقی در بردارنده استقبال والدین از روابطی است که شروع کننده آن کودک باشد. مثلاً در روش «بپرس، بگو، انجام بده»، مادران یاد گرفتند مهارت‌های پیچیده را به اجزاء کوچک تری تقسیم کنند و آن را به شکل قدم به قدم و زنجیروار به کودک خود بیاموزند. این شیوه در آموزش مهارت‌های اجتماعی و حل مسئله اجتماعی کمک می‌کند. از این طریق والدین کودکان خود را مجهز به استفاده از شیوه‌ها و راهبردهای اثربخش می‌کنند و همین مسئله کشمکش و تعارض بین آنها را کاهش می‌دهد؛ چرا که



مادران تلاش می کنند به جای حضور همیشگی و درگیری مستقیم با مسائل کودک، نظارت غیر مستقیم داشته باشند و کودک را به یک یادگیرنده مستقل تبدیل کنند.

یکی از متغیرهایی که همواره در مشکلات تعاملی والد-کودک مورد توجه بوده، شیوه‌های ابرازگری است. این مورد بر اساس اصل سوم آموزش والدگری مثبت منطقی مورد توجه قرار گرفت. در این جلسات به والدین راه‌حل‌های خاصی برای تغییر رفتار و مدیریت کودک آموخته می شود که این راه‌حل‌ها جانشین‌هایی برای شیوه‌های تربیتی بی‌اثر و زورگویانه مانند: داد زدن، تهدید، تنبیه بدنی و در بردارنده اصول گفتگو با کودکان، تأیید نمودن، آرامش، دستورالعمل‌های هماهنگ با سن و متناسب با تقاضای کودک، استفاده از زمان سکوت، محروم نمودن موقت و بی‌اعتنایی هستند. بنابراین تلاش شد طی جلسات آموزشی این روش‌ها به مادران به صورت گام به گام نحوه تعامل سازنده با فرزندان آموزش داده شود و آنها با استفاده از روش‌های رفتارگرایی یاد گرفتند در محیط خانه و سایر موقعیت‌ها، رفتارهای مثبت کودک را تقویت نمایند و رفتارهای نامناسب را با استفاده از روش‌های تنبیه و محروم سازی کاهش دهند.

برای تبیین احتمالی دیگر تأثیر برنامه والدگری مثبت منطقی در بهبود کیفیت رابطه والد-کودک می توان به اهمیت اصل مراقب نقش والدگری خود بودن (اصل پنجم) اشاره کرد. طبق این اصل، والدگری به وسیله گستره‌ای از عامل‌هایی که بر حرمت خود و حس سلامتی والدین، مؤثر هستند، اثر می گیرد. همه سطوح برنامه والدگری مثبت منطقی به شکل ویژه‌ای این اصل را با ترغیب والدین برای دیدن والدگری به‌عنوان قسمتی از یک ساختار خود مراقبتی گسترده، چاره اندیشی و بهزیستی مشخص می‌نمایند و توسط آموزش مهارت‌های والدگری عملی به والدین به نحوی نشان می‌دهند که والدین (هم پدر و هم مادر) می‌توانند این نقش و قابلیت‌ها را انجام دهند. بر این اساس در جلسات آموزشی سعی شد به مادران گفته شود که ممکن است آنها در تعامل با فرزنددی که مشکلات یادگیری دارد و مسائل گوناگونی را در محیط مدرسه تجربه می کند، هیجان‌های منفی مانند خشم، اضطراب، درماندگی و سطوح بالای فشار روانی والدگری را تجربه کنند. این مسئله از جهتی کاملاً طبیعی است ولی از سوی دیگر می تواند به دلیل عدم مدیریت صحیح، برای مادر و نحوه تعامل با فرزندش اثرات نامطلوبی داشته باشد. لذا مادران می توانند راه کارهای مناسبی را برای کنترل و مدیریت هیجان‌های منفی یاد بگیرند. از این رو طی جلسات آموزشی سعی شد بر مبنای روش‌های شناختی- رفتاری، تشخیص باورهای غیر منطقی و هیجان‌های خود و فرزند و درک فعال شدن رویدادها به مادران یاد داده شود. از این طریق مادران آموختند به نقش باورها و افکار ناکارآمد در تحلیل اتفاقات پیش آمده و به تبع آن بروز رفتارهای ناکارآمد و هیجان‌های منفی توجه کنند. آنها یاد گرفتند با روش‌های کارآمد مانند حل مسئله، خودنظم دهی هیجانی، استقلال و گفتگوی تعاملی با فرزند خود، کنترل رفتارها و مدیریت هیجان‌ها را تمرین کنند. همچنین درک و پیاده‌سازی ویژگی‌های والدگری مثبت، درک چگونگی وضع قوانین خانواده و پیاده‌سازی این دانش از جمله موارد دیگری بود که در جلسات آموزشی با مادران گفتگو و به آنها آموخته شد. این مسئله منجر به پررنگ شدن و اهمیت دادن به مراقبت از نقش والدگری خود از سوی مادر به عنوان هسته اصلی خانواده شد. بازخورد مثبت مادران پس از یادگیری و تمرین این موضوع باعث شد آنها حس بهتری از خود مادری داشته باشند و همین حس در تعامل با فرزند نیز تسری پیدا کرد. مادران عنوان کردند که یادگیری این مهارت‌ها به آنها کمک کرد با تأکید بر کل ویژگی‌های کودک به جای تمرکز بر ویژگی‌های خاص و احیاناً ناراحت کننده، در رابطه با فرزندشان انعطاف‌پذیری و پویایی بیشتری را تجربه کنند.

## The Effect of Rational Positive Parenting Program on Parent-Child Relationship of Mothers ...

به طور کلی می توان گفت احتمالا محتوای جلسه های گروهی آموزش برنامه والدگری مثبت منطقی توانسته از طریق مشاهده، گفتگو، تمرین و بازخورد مادران باعث شود، آنها یاد بگیرند که توانایی های ویژه والدگری ارائه شده در این برنامه را می توانند با انعطاف پذیری نسبت به موقعیت های گوناگون مراقبت از کودک با نیاز ویژه و همچنین کودکان دیگر خانواده، تعمیم و یا با آنها تطابق دهند. به این ترتیب با ایجاد ظرفیت خود تنظیمی در مادران، آنها به حل کننده مشکلات مرتبط با فرزند خود مبدل می شوند و سرانجام می توانند حلقه فزاینده روابط منفی کودک-والد را درهم بشکنند. با توجه به نتایج پژوهش حاضر انتظار می رود که برنامه والدگری مثبت منطقی به عنوان یک روش آموزشی از سوی مشاوران مراکز آموزشی و درمانی و همچنین بخشی از فعالیت های آموزشی و تربیتی در مدارس برای آموزش والدین کودکان با نیازهای ویژه از جمله اختلال یادگیری خاص مورد توجه و استفاده قرار گیرد. محدود بودن جامعه آماری به مادران کودک با اختلال یادگیری خاص و استفاده از پرسشنامه برای جمع آوری داده ها از جمله محدودیت هایی بودند که پژوهش حاضر با آن مواجه بود. به منظور پژوهش های آینده پیشنهاد می شود که این پژوهش برای پدران نیز اجرا و برای جمع آوری داده ها از ابزارهای دیگری مانند مصاحبه و مشاهده استفاده شود.

## ملاحظات اخلاقی

کد اخلاق: این پژوهش، کد اخلاق IR. GUILAN.REC.1401.004 را از کمیته اخلاق دانشگاه گیلان دارا می باشد.

## حمایت مالی

این مطالعه هیچ گونه حمایت مالی دریافت نکرده است.

## مشارکت نویسندگان

مأده منصورپور (دانشجو): جمع آوری داده ها، انجام آموزش ها، تحلیل آماری و تهیه پیش نویس اصلی مقاله؛ مهناز خسروجاوید (استاد راهنما): مدیریت فرایند انجام پژوهش، ویرایش و بازنگری مقاله.

## تعارض منافع

این پژوهش برای نویسندگان هیچ گونه تعارض منافی نداشته است.

## تشکر و قدردانی

از والدین و مسئولان مرکز آموزشی و توان بخشی مشکلات ویژه یادگیری شهر رشت که در اجرای برنامه مداخله، صادقانه و خالصانه ما را همراهی نمودند، قدردانی می کنیم.

## References

- Abbaszadeh, A., Movallali, G., Pourmohamadreza-Tajrishi, M., & Vahedi, M. (2021). Effect of Baby Triple P or Positive Parenting Program on Mental Health and Mother-Child Relationship in Mothers of Hearing-impaired Children. *JREHAB*, 22 (2), 210-227. [\[Link\]](#)
- Abarashi, Z., Tahmasian, K., Mazaheri, M.A., Panaghi, L. (2009). The impact of psychosocial child development training program, done through improvement of mother-child interaction, on parental self-efficacy and relationship between mother and child under three. *Journal of Research in Psychological Health*, 3(3), 49-5. [\[Link\]](#)

- Abedi shapourabadi, A., Pourmohamadreza Tajrishi, M., Mohamad Khani, P., & Farzi, M. (2012). Effectiveness of Group Training Positive Parenting Program (Triple-p) on child-parent relationship in children with Attention Deficit/Hyperactivity Disorder. *Journal of clinical psychology*, 4(3 (15), 63-73. [\[Link\]](#)
- American Psychiatric Association. (2022). *Diagnosics and Statistical Manual of Mental Disorders: DSM5-TR*. American Psychiatric Publishing. [\[Link\]](#)
- Ashori, M Afrooz, G., Arjmandnia, A., Pormohammadreza-tajrishi, M., & Ghobari-Bonab, B. (2015). The Effectiveness of Positive Parenting Program (Triple-P) on Parental Self-Efficacy and Mother-Child Interaction in Children Suffering from Intellectual Disability. *JSSU*, 23 (5), 489-500 [\[Link\]](#)
- Crowell, J., Keluskar, J., & Gorecki, A. (2019). Parenting behavior and the development of children with autism spectrum disorder. *Comprehensive Psychiatry*, 1 (90), 21-29. [\[Link\]](#)
- David, O. A. (2014). The rational positive parenting program for child externalizing behavior: Mechanisms of change analysis. *Journal of Evidence-Based Psychotherapies*, 14(1), 21–38. [\[Link\]](#)
- David, O. A., & Digiuseppe, R. (2016). *The Rational Positive Parenting Program*. New York: Springer International Publishing. [\[Link\]](#)
- Driscoll, K., & Pianta, R. C. (2011). Mothers' and fathers' perceptions of conflict and closeness in parent-child relationships during early childhood. *Journal of Early Childhood and Infant Psychology*, (7), 1-24. [\[Link\]](#)
- Fish, R., & Morgan, H. (2021). "Them two are around when I need their help." The importance of good relationships in supporting people with learning disabilities to be "in a good space. *British Journal of Learning Disabilities*. (4), 21, 44-51. [\[Link\]](#)
- Gao, M., & Cummings, E. M. (2019). Understanding parent-child relationship as a developmental process: Fluctuations across days and changes over years. *Developmental Psychology*, 55 (5), 1046–1058. [\[Link\]](#)
- Gavita, O. A., & Calin, A. (2013). Retman rational stories versus rational parenting program for the treatment of child psychopathology: Efficacy of two formats of rational-emotive behavior therapy. *Journal of Cognitive and Behavioral Psychotherapies*, 13(1), 33–52. [\[Link\]](#)
- Gavița, O. A., David, D., Bujoreanu, S., Tiba, A., & Ionuțiu, D. R. (2012). The efficacy of a short cognitive-behavioral parent program in the treatment of externalizing behavior disorders in Romanian foster care children: Building parental emotion-regulation through unconditional self-and child-acceptance strategies. *Children and Youth Services Review*, 34(2), 1290–1297. [\[Link\]](#)
- Hajkhodadadi, D., Etemadi, O., Abedi, M. R., & Jazayeri, R S. (2021). The effectiveness of triple-p (positive parenting program) on effective parenting and quality of child-parent relationship in mothers with adolescents. *Journal of Psychological Science*. 20(98), 185-198. [\[Link\]](#)
- Khodaverdian, S., Golshani, F., Emamipour, S., & Kraskian, A. (2017). A Comparative study on Effectiveness of Behavior Parent Training (BPT) and Pharmacotherapy on Intensity of symptoms in Male Primary School Students with Attention Deficit/Hyperactivity Disorder (AD/HD) and Parental Stress in their Mothers, *Journal of Applied Psychology Research*, 7(4), 1-19. [\[Link\]](#)
- Kvist, A., Primdal, H., Skyt, N., & Marianne S. (2013). The Importance of Children's ADHD for Parents' Relationship Stability and Labor Supply. *Social Science and Medicine*, (88), 30–38. [\[Link\]](#)
- Lockwood, A. B., Farmer, R. L., Winans, S., & Sealander, K. (2021). *Specific learning disability identification practices in the usa: A survey of special education administrators*. *Contemporary School Psychology*. Advance online publication. [\[Link\]](#)
- Maric, M., & Bögels, S. M. (2018). What are the odds of anxiety disorders running in families? A family study of anxiety disorders in mothers, fathers, and siblings of children with anxiety disorders. *European child & adolescent psychiatry*, 27 (5), 615–624. [\[Link\]](#)
- Rouchun, D., Zongkui, Z., & Shuailei, L. (2019). Family socioeconomic status and the parent-child relationship: Children's Internet use as a moderated mediator. *Curr Psychology*, 10 (2), 56-68. [\[Link\]](#)

The Effect of Rational Positive Parenting Program on Parent-Child Relationship of Mothers ...

- Sahu, A; Bhargava, R; Sagar, R; & Mehta, M. (2018). Perception of Families of Children with Specific Learning Disorder: An Exploratory Study. *Indian Journal of Psychological Medicine*, 40(5), 406–413. [\[Link\]](#)
- Samavat akbatan, S. H., & Hoseinian, S. (2016). *The Effectiveness of Rational Positive Parenting Training on Improvement of Parents' Irrational Beliefs and Anger*. Master's thesis, Khatam University. [\[Link\]](#)
- Varasteh, M., Aslani, K, & Amanuelahi, A. (2017). Effectiveness of Positive Parenting Training on Parent-Child Interaction Quality. *Consulting Culture and Psychotherapy*, 7(28), 183-201. [\[Link\]](#)
- Whitaker, D., Self-Brown, S., Hayat, M., & Osborne, M. (2021). Effect of the SafeCare© intervention on parenting outcomes among parents in child welfare systems: A cluster randomized trial. *Randomized Controlled Trial. Preventive Medicine*, 138, 106167. [\[Link\]](#)